

ترسی!

محرك تقلب مدیران



زهرا فرجام، ملیکا براز

مقدمه

انجام اعمال متقلبانه از دیرباز، رویدادی رایج در دنیای کسب و کار بوده است؛ اما امروزه حجم اختلاسها و فسادهای مالی، اقتصاد کشورها را به شدت متأثر و توجه رسانه‌ها را بیش از پیش به خود جلب کرده است. مدیران اجرایی شرکتها به منظور حفظ اعتبار شرکت، همواره کوشیده‌اند تا بر تقلب انجام‌شده در شرکت سرپوش بگذارند؛ زیرا تصور بر این است که آگاهی مشتریان از وقوع تقلب، کیفیت محصولات و خدمات ارائه‌شده شرکت را زیر سؤال خواهد برد. به این ترتیب، مدیران اجرایی شرکتها در انجام اعمال متقلبانه مشارکت می‌کنند؛ چرا که بسیار غیرمحتمل است که بتوان وضعیت مالی یک شرکت را بدون آگاهی کسانی که به طور مستقیم در اجرای عملیات شرکت نقش داشته‌اند، دستکاری کرد.

براساس باور عمومی، زیاده‌خواهی و طمع، علت اصلی ارتکاب به تقلب است. هنگامی که در سال ۱۹۹۹، تقلب ۵۰۰ میلیون دلاری

که براساس نظریه انگیزه قلب مایس، محرکهای دیگری نیز برای ارتکاب به تقلب وجود دارند، در تقلب مدیران، ترس از شکست یکی از مهم‌ترین این عوامل است. در این تقلب، محرک دروغ‌گویی، ترس از آشکار شدن حقایق است. ترس از آشکار شدن حقیقت، در هر دو حالت عاملی مشترک می‌باشد؛ اما انگیزه تقلب به‌طور کامل متفاوت است. این مقاله ممکن است برای محققان و قانون‌گذاران حوزه تقلب مفید باشد و حتی در چگونگی پیشگیری، شناسایی و متوقف کردن وقوع تقلب به مدیریت کمک کند.

مروری بر مبانی نظری و مفاهیم

زیاده‌خواهی

براساس باور عموم، زیاده‌خواهی، محرک اولیه تقلب است. در درون هر شخص، گرایش یا تمایل برای زیاده‌خواهی و انگیزه کسب ثروت وجود دارد. به هنگام بحث در مورد محرکهای اولیه تقلب، باید میان «زیاده‌خواهی» و «جاه‌طلبی» فرق قائل شد. زیاده‌خواهی از منظر آسیب‌شناسی، تمایل برای به‌دست‌آوردن ثروت فراوان به قیمت زیان دیگران است؛ اما جاه‌طلبی، میل طبیعی به اندوختن ثروت از طریق کسب درآمد از کاری است که شخص انجام می‌دهد و به منافع دیگران آسیبی نمی‌رساند. بنابراین، عبور از مرزهای زیاده‌خواهی برای فرد جاه‌طلب چندان دشوار نیست. حتی اگر فرد همواره در معامله‌های خود دارای عملکرد صادقانه و منصفانه باشد، هنوز هم این احتمال وجود دارد که دیگران جاه‌طلبی وی را ناشی از طمع و زیاده‌خواهی بدانند که این قضاوت ممکن است به‌صورت منطقی و یا براساس حسادت احساسی باشد. در این مقاله، زیاده‌خواهی به‌عنوان یک نگرش تعریف می‌شود که به موجب آن، فرد صرف‌نظر از روش دستیابی، خواستار افزایش لحظه‌ای ثروت است (Lombardo, 2016).

ترس

در این مقاله، احساس ترس به‌عنوان محرک دیگر افراد در انجام اعمال متقلبانه معرفی می‌شود. واژه ترس مانند زیاده‌خواهی، معانی متفاوتی دارد و براساس تجربه‌ها و ذهنیت افراد به روشهای مختلف تفسیر می‌شود. هرچند که ترس احساسی بسیار قوی است، اما فرض بر این است که به‌خودی‌خود محرک اولیه

در ترازنامه انرون (Enron) دیده شد و یا در سال ۱۹۹۲، گزارش مبهم موجودیها در فارمور (Phar-Mor) اتفاق افتاد، نقش عاملی مانند زیاده‌خواهی در انجام اعمال متقلبانه به‌خوبی درک شد.

مقاله حاضر نشان می‌دهد در حالی که زیاده‌خواهی و طمع همواره به‌عنوان یکی از محرکهای افراد برای انجام اعمال متقلبانه در تهیه صورتهای مالی شناخته‌شده است، این حقیقت وجود دارد که احساس ترس و به‌خصوص ترس از شکست و از دست دادن شهرت، محرکهای قوی‌تری برای ارتکاب تقلب مدیران هستند. در واقع، تحقیقهای انجام‌شده در زمینه تئوری تقلب، به‌تازگی در صدد یافتن محرکهایی فراتر از فشار مالی برای انجام اعمال متقلبانه برآمده‌اند که در چارچوب تئوری تقلب مایس^۱ (MICE)، نشان داده شده است و شامل عواملی مانند پول، ایدئولوژی، اجبار، خودخواهی و منافع شخصی است (Morris & Pearson, 2011). براساس چارچوب این تئوری، ترس از شکست تحت عامل نفس قرار گرفته و موجب ارتکاب تقلب می‌شود.

این‌که چرا «ترس از شکست» نسبت به عامل زیاده‌خواهی و طمع که منجر به وقوع تقلبهای مرسوم مانند سوءاستفاده از داراییهای شرکت می‌شود، محرک مهم‌تری برای ارتکاب تقلب مدیران است، ممکن است به ماهیت عمل تقلب مربوط باشد. در تقلبهای سنتی، «سرقت» عملی متقلبانه است. متقلب پس از سرقت داراییها شروع به فریب و سرپوش گذاشتن بر آن می‌کند. در تقلب مدیران، «دروغ» یک عمل متقلبانه است. شرکتهایی که رکود اقتصادی ناشی از تصمیم‌گیریهایی ضعیف، ناتوانی در ایجاد سود و اعمال متقلبانه را تجربه کرده‌اند، به‌منظور جلوگیری از انتشار نتایج مالی منفی به عموم، بر آن سرپوش می‌گذارند. رکود ممکن است به‌دلیل اعمال غیرقانونی و یا غیراخلاقی ایجاد شود، اما می‌تواند ناشی از عملکرد ضعیف و یا تصمیم‌گیری نادرست نیز باشد که ماهیت غیراخلاقی ندارد. به هر حال، ترس از انتشار اطلاعات مالی به عموم، منجر به دروغ و فریبکاری می‌شود. برای کسی هم که مرتکب تقلب شده و از داراییهای شرکت سوءاستفاده کرده، همیشه ترس از آشکار شدن کار غیرقانونی، وجود دارد ولی محرک انجام این عمل غیرقانونی، به احتمال زیاد زیاده‌خواهی و طمع است. هرچند

انجام اعمال متقلبانه نیست. در اینجا، ترس به صورت «ترس از شکست» تعریف می‌شود که براساس تعریف ارائه‌شده به‌وسیله الیوت و چارچ (Elliott & Church, 1997)، «تمایل عمومی برای جلوگیری از شکست» توصیف شده است. ترس از شکست، باعث می‌شود افراد فعالیت‌هایی برای ایجاد نتایج مثبت و یا راهبردهایی برای جلوگیری از بروز پیامدهای منفی شکست به‌کار برند (Elliott & Church, 1997). ترس از شکست، به‌خودی‌خود عامل قطعی تقلب نیست، بلکه زمانی به تقلب منجر می‌شود که با ترس از تحقیر در انتظار عمومی و ترس از شکست وجهه ساختگی شرکت، همراه شود (Anderson & Nathe, 2008).

ترس از شکست، ممکن است عامل بسیار طبیعی در ارتکاب به تقلب مدیران اجرایی باشد که به پشتیبانی و محافظت شهرت دارند. مدیران و متخصصان مالی بر شهرت خود نه فقط به‌خاطر افزایش اعتماد به‌نفس شخصی اتکا دارند، بلکه می‌خواهند بدین‌وسیله، این پیام را مخابره کنند که بر بازار مسلط هستند و به‌طور کامل بازار را درک می‌کنند و می‌دانند که چگونه دیگران را رهبری کنند. اگر این افراد با شکست روبه‌رو شوند، آنگاه شهرت خود را از دست می‌دهند و دیگران تمایلی به ادامه فعالیت خود با آنان نخواهند داشت (Cohen et al., 2010).

از این دیدگاه، ترس به‌عنوان انگیزه روانی پرهیز از جنبه‌های منفی «ترس از شکست» و به‌منظور پیشگیری از موقعیت‌های مالی زیان‌آور تعریف می‌شود. به‌عبارت دیگر، مدیر می‌داند که رکود اقتصادی در عملیات شرکت، اثرهای منفی بر شرکت خواهد داشت و به شهرت وی آسیب وارد می‌کند؛ بنابراین سعی می‌کند تا با استفاده از روش‌هایی زیان مالی شرکت را پنهان کند. پس ترس، محرک سرپوش گذاشتن بر زیان مالی شرکت و تلاش برای کسب ثروت و یا تجارت به روش‌های غیراخلاقی و یا روش‌های غیرمنصفانه است تا منجر به کاهش اثرهای چنین زیانی نشود؛ به همین دلیل است که زیان شرکت افشا نمی‌شود و مدیران شکست‌خورده شناخته نمی‌شوند.

تقلب

در این بخش، انگیزه‌های تقلب به‌وسیله مدیران اجرایی در تهیه صورتهای مالی بررسی می‌شود. بدین منظور، ابتدا

مفهوم تقلب و عناصر تشکیل‌دهنده آن تشریح می‌شود. یکی از مهمترین تعریف‌های تقلب در سال ۱۹۷۱ و از سوی پروسر (Prosser, 1971) ارائه شده است: «تقلب، بیان نادرست یک واقعیت، با آگاهی از خطا و احتمال بروز آسیب برای دیگران است». انستیتوی حساب‌رسان داخلی نیز اذعان می‌کند که تقلب دارای سه عنصر اصلی به این شرح است (Sawyer, 1988):

- سرقت به‌صورت دزدیدن پول نقد، اطلاعات و یا دارایی‌های دیگر،

- اقدام‌های صورت‌گرفته برای پنهان کردن تقلب، و
- استفاده از دارایی‌های سرقت‌شده.

براساس استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران، تقلب عبارت است از: «هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی».

تقلب حسابداری را نیز این‌گونه می‌توان تعریف کرد: «اعمال فریبکارانه عمدی در فرایند تولید اطلاعات حسابداری شرکت به‌منظور کسب سود غیرقانونی یا غیرمنصفانه» (بولو، ۱۳۸۲).

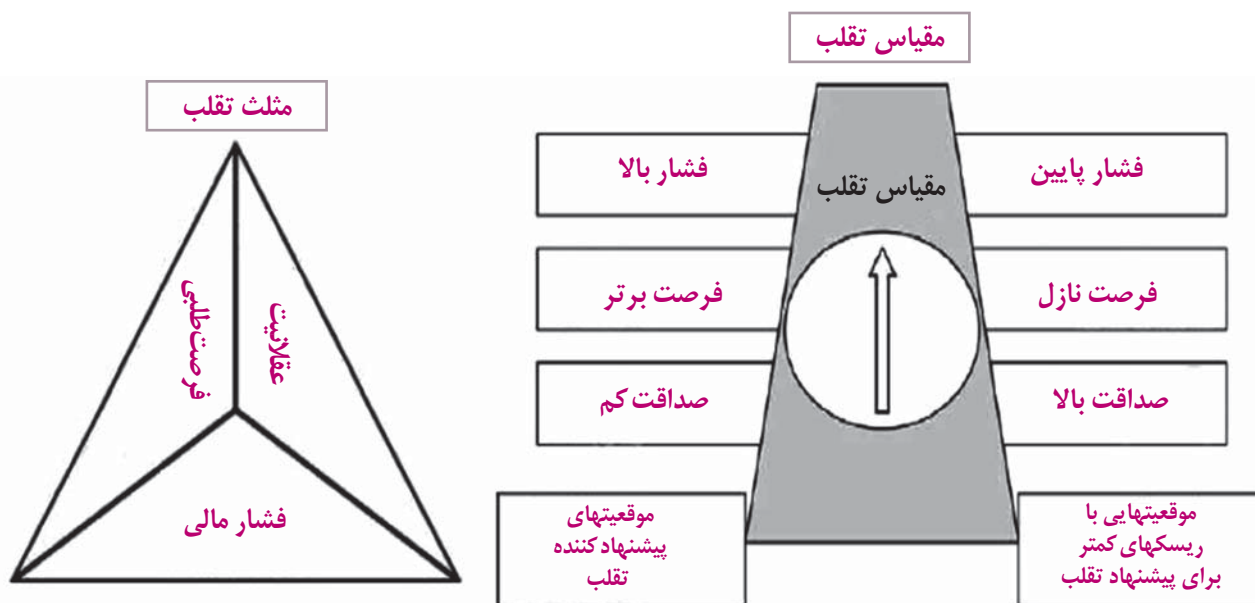
هیئت استانداردهای حسابرسی و انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA)، در بیانیه استاندارد حسابرسی شماره ۹۹ به معرفی چهار نوع تقلب پرداخته‌اند (Romney, 2007):

- ۱- سوءاستفاده از داراییها (تقلب کارمندان و یا اختلاس)،
- ۲- تقلب مدیریت (گزارشگری مالی متقلبانه)،
- ۳- تقلب برون‌سازمانی (منظور از تقلب برون‌سازمانی، تقلبی است که از سوی افراد خارج از شرکت سازمان‌دهی می‌شود؛ مانند سرقت و یا حک کردن سامانه‌های اطلاعاتی شرکت که به‌دلیل ضعف در سامانه امنیتی شرکت ایجاد می‌شود)، و
- ۴- تقلب سرمایه‌گذاری (یک عمل فریبکارانه که باعث می‌شود سرمایه‌گذاران تصمیم‌های خریدوفروش خود را براساس اطلاعات نادرست اتخاذ کنند).

به‌طور کلی، انواع تقلب را می‌توان در سه دسته کلی معرفی کرد (وکیلی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸):

- فساد مالی: در این نوع تقلب، متقلب از نفوذ خود یا شخص دیگر، استفاده نابه‌جا می‌کند؛

نمودار ۱- مقایسه الگوی مقیاس تقلب با الگوی مثلث تقلب



در چند دسته کلی تقسیم می شود که مهمترین آنها دربرگیرنده موارد زیر است (وکیلی فرد و همکاران، ۱۳۸۸):

- تقلب از راه شناسایی نادرست درآمدها،
- تقلب از راه حساب موجودی کالا و بهای تمام شده کالای فروش رفته،
- تقلب از راه بیان بیش از واقع داراییها،
- استفاده نادرست از اقلام خارج از ترازنامه،
- تقلب از راه افشای ناکافی، و
- تقلب به وسیله دستکاری در بدهیها.

نظریه انگیزه تقلب (مثلث تقلب و مقیاس تقلب)

انگیزه بررسی تقلب در صورتهای مالی، برای اولین بار در سال ۱۹۵۰ به وسیله کرسی (Cressy, 1950) توسعه یافت. وی در تجزیه و تحلیل مجرمان یقه سفید، سه عامل انگیزشی ارتکاب تقلب را مطرح کرد. از نظر کرسی، مسائل مالی غیرقابل انتشار و آگاهی داشتن از موقعیت خاص یک شرکت که فرصت تقلب را فراهم می کند، باعث ایجاد رفتار مجرمانه

• سوءاستفاده از داراییها: شامل دزدی یا استفاده نادرست از داراییهای یک سازمان است؛ و

• تقلب در گزارشگری مالی: عبارت است از تحریف عمدی در نتایج صورتهای مالی به منظور ارائه تصویری نادرست از واحد تجاری.

تقلب مدیریت

نخستین گزارش در تقلب مدیریت، در سال ۱۶۰۰ و در شرکت هندی بریتیش ایست ارائه شد (Dorminey et al., 2012). آدام اسمیت (Adam Smith, 1776)، برای اولین بار به بررسی عوامل بالقوه ارائه اطلاعات مالی تحریف شده به عموم پرداخت.

براساس گزارش کمیسیون تریدوی (Treadway Commission)، تقلب صورتهای مالی، رفتاری عمدی است که به ارائه صورتهای مالی گمراه کننده منتج می شود. روشهای ارتکاب تقلب ممکن است مواردی مانند تغییر در رویه حسابداری و برآوردهای حسابداری و شناسایی نادرست درآمدها و هزینه ها را شامل شود. به طور کلی، روشهای ارتکاب تقلب

نمی‌شود. آنچه که امروزه آن را عمل متقلبانه می‌دانیم، در مفهوم مثلث تقلب نمود پیدا می‌کند. عوامل محرک افراد به تقلب، عبارتند از (Dorminey et al., 2012):

- فشار: حالتی است که افراد نیازی دارند که نمی‌توانند آن را با دیگران به اشتراک گذارند.
- فرصت: حالتی است که در آن افراد از ضعف کنترلی موجود در سازمان استفاده می‌کنند و بدون این‌که گرفتار شوند، مرتکب اعمال متقلبانه می‌شوند.

• توجیه (منطق تراشی): تلاش برای کاهش ناهماهنگی شناختی از سوی فرد است؛ به‌طوری که به‌واسطه این تلاش، تمامی فعالیت‌های غیراخلاقی خود را با منطقی خاص توجیه می‌کنند.

الگوی مقیاس تقلب در سال ۱۹۸۴، به‌وسیله آلبرخت، هاو و رامنی (Albrecht, Howe & Romney, 1984) با الگوی مثلث تقلب مقایسه شد (نمودار ۱). در الگوی مقیاس تقلب، میزان صداقت افراد و میزان پایبندی آنها به اصول اخلاقی جایگزین عامل توجیه و منطق تراشی در الگوی مثلث تقلب می‌شود؛ به‌طوری که می‌توان قانون مداری افراد را در فرایند تصمیم‌گیری آنها مشاهده کرد. در این الگو، میزان پایبندی افراد به اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی در تصمیم‌های آنها مشاهده می‌شود و این می‌تواند در ارزیابی میزان قانون مداری و در نتیجه میزان احتمال ارتکاب به تقلب افراد، کمک کند (Kassim & Higson, 2012). تحت فشار بودن یا وجود انگیزه‌های مالی و وجود فرصت، از عوامل مهم ارتکاب تقلب در هر دو الگو بودند. با این حال، در الگوی مقیاس تقلب، میزان پایبندی سازمان به اصول اخلاقی به‌عنوان عاملی که توانایی افراد را برای توجیه انواع تقلب تحت تأثیر قرار می‌دهد، شناخته شده است (Albrecht et al., 1984).

نظریه انگیزه تقلب

تحقیقات اخیر، ماهیت انگیزه تقلب را به‌وسیله نظریه انگیزه تقلب مورد بررسی قرار داده‌اند که عوامل تشکیل‌دهنده آن عبارتند از: پول، ایدئولوژی، اجبار و نفس. این نظریه، مجموعه‌ای از انگیزه‌های فراتر از فشار مالی را نشان می‌دهد (Kranacher et al., 2011).

• ایدئولوژی را می‌توان به فعالیت‌های رایین‌هود در گذشته نسبت داد. افرادی مانند وی تصور می‌کنند که مالکان ثروت به هیچ عنوان شایسته آن نیستند و از اینرو، به دزدی برای کمک به محرومان می‌پردازند؛ این، ایدئولوژی غالب در ذهن مجرمان است (Lombardo, 2016).

• اجبار عاملی است که در آن افراد ناخواسته به انجام اعمال متقلبانه وادار می‌شوند؛ در واقع، اجبار عاملی است که از تهدید آشکار و یا از ترس از نتایج بد ایجاد می‌شود (Kassim & Higson, 2012).

• نفس نیز می‌تواند محرکی برای تقلب باشد؛ به‌طوری که افراد به‌طور عمومی دوست ندارند شهرت یا موضع قدرت خود را در برابر جامعه یا خانواده از دست بدهند، چنین فشارهای اجتماعی می‌تواند انگیزه‌ای برای انجام اعمال متقلبانه فراهم کند (Kassim & Higson, 2012). ترس از شکست، عامل اصلی است که تلاش‌های متقلبانه‌ای را برای جلوگیری از ایجاد عواقب منفی، ایجاد خواهد کرد (Lombardo, 2016).

ریسک و مدیریت ریسک

آخرین مفهومی که در این مقاله به معرفی آن می‌پردازیم، مفهوم ریسک و نتایج حاصل از تصمیم‌های همراه با ریسک است که از سوی مدیران اتخاذ می‌شوند. پیش از این‌که مدیران در صدد پنهان کردن نتایج مالی شرکت برآیند و نسبت به فریب افکار عمومی اقدام کنند، به‌طور حتم یک رکود اقتصادی در سازمان وجود داشته که شرایط انجام چنین عملی را آماده کرده است. چنین رکود اقتصادی می‌تواند نتیجه تصمیم‌های مالی ضعیفی باشد که پیش از این به‌وسیله مدیریت گرفته شده است. ممکن است مدیران در برهه‌ای از زمان و بنابر شرایط موجود، تصمیم‌هایی را بگیرند و بعد به‌دلایل مختلف مانند تغییر شرایط یا ارزیابی نکردن مسائل جزئی که بعدها مهم جلوه کردند، با شکست روبه‌رو شوند و فجایع مالی را به بار آورند.

ریسک، حالتی از نبود اطمینان است؛ یعنی حالتی که در مورد رویدادهای نامشخص آینده، ادعاهای غیرقطعی وجود داشته باشد. مدیریت تنها می‌تواند تا حدی ریسک‌های آینده را

هرچند که تقلب مدیران به مراتب پیچیده‌تر از تقلب ناشی از سوءاستفاده از دارایی‌هاست، مستلزم تبانی با دیگران بوده و نیز نیازمند چارچوب زمانی مستمر برای ادامه تقلب می‌باشد. آنچه که به عنوان محرک تقلب مدیران شناخته می‌شود؛ به مراتب ساده‌تر است. پیش‌زمینه این الگو، خطا در ارزیابی عوامل ریسک است که منجر به زیان مالی شرکت می‌شود؛ سپس عامل ترس از شکست، یعنی آنچه که مدیران را وادار به اجتناب از انتشار نتایج زیان مالی شرکت می‌کند، به عنوان عامل واسطه‌گر عمل می‌کند و باعث تهیه صورتهای مالی متقلبانه می‌شود.

در این میان، عوامل مثلث تقلب نیز به کمک انگیزه متقلب آمده و منجر به تقلب می‌شوند.

مثلث تقلب دارای سه عنصر است: عنصر اول، فشار است که ترس از شکست را تشدید می‌کند؛ عامل دوم، فرصت‌طلبی است که همواره در میان مدیران اجرایی دارای نفوذ در شرکت، مشهود است؛ و عامل سوم، منطق تراشی است که برای توجیه تقلب به کار می‌رود. مدیریت معتقد است که رکود به وجود آمده ناشی از اشتباه در ارزیابی ریسک، یک رویداد موقت است. مدیران و کارکنان شرکت تحت

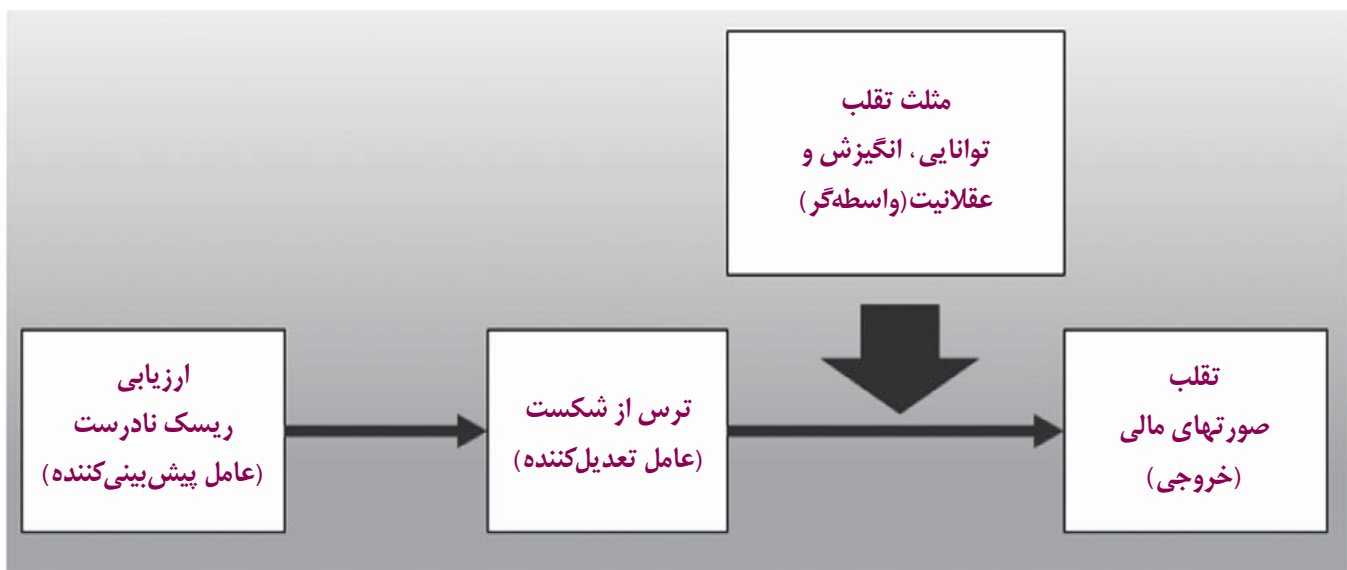
بررسی و برای کنترل آن تلاش کند. افزایش کنترل و اعمال قوانین، محیط ریسک را پیچیده‌تر می‌کند و ریسک را افزایش می‌دهد (Ericson, 2006). ارزیابی ریسک و کاهش آن در پرتو شکست مالی، یکی از سازوکارهای مهم برای شرکتهای مدرن به حساب می‌آید.

مدیریت ریسک، یکی از قسمتهای مهم واحد حسابرسی داخلی شرکتهای است. هنگامی که مدیران شرکتهای در شناسایی ریسکهای شرکت با شکست روبه‌رو شوند، نتایج منفی که عملیات شرکت را با تهدید روبه‌رو می‌کند، با احتمال بیشتری رخ می‌دهند. همچنین، زمانی که تصمیمهای مدیران به نتایج عملیاتی مطلوب نائل نمی‌شوند، پارادایم‌های عملیاتی مدیران با تهدید روبه‌رو می‌شوند. چنین تهدیدهایی برای مدیریت ارزش، فشار مالی ایجاد کرده و می‌تواند مقیاس تقلب آبرشت را تحت تأثیر قرار دهد.

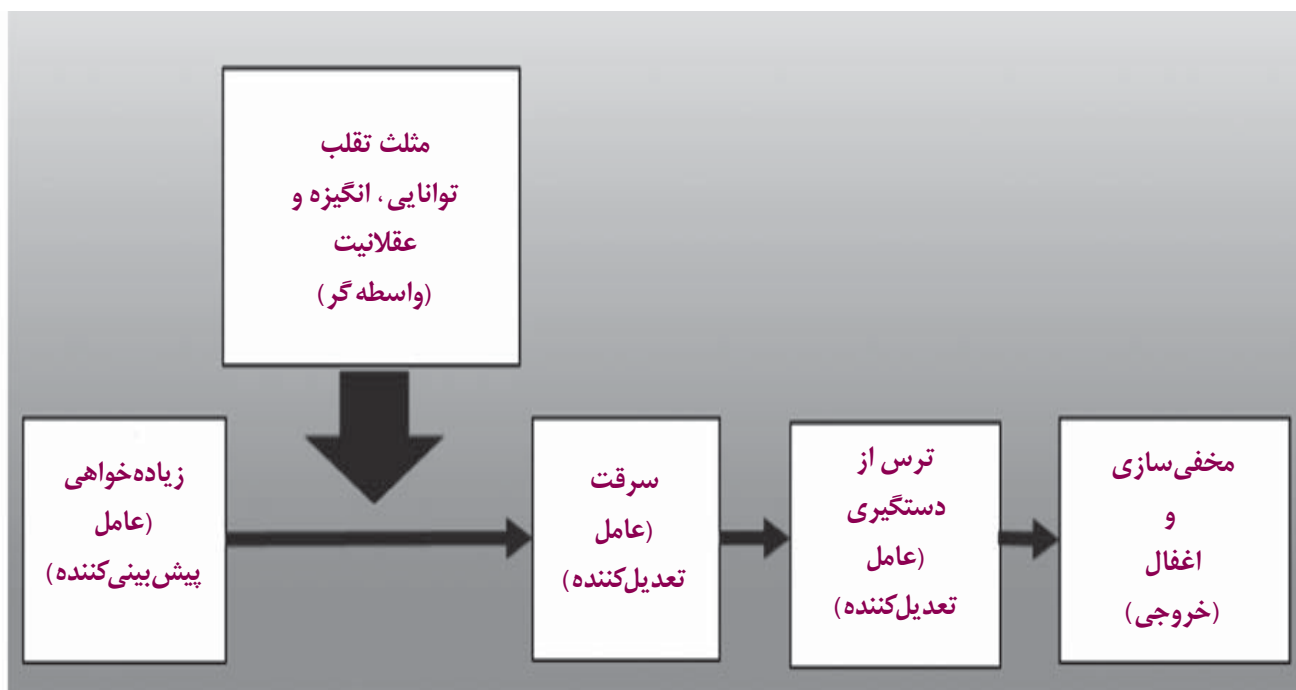
الگوی انگیزه تقلب

براساس مباحث مطرح‌شده در مقدمه، برای توصیف انگیزه‌های تقلب مدیران و نیز سوءاستفاده از داراییها، دو الگو به شرح نمودار ۲ و نمودار ۳ نمایش داده می‌شوند (Lombardo, 2016).

نمودار ۲- الگوی انگیزه‌های تقلب مدیریت



نمودار ۳- الگوی انگیزه تقلب افشای نادرست داراییها



تأثیر چگونگی رهبری مدیریت هستند و ارتکاب به تقلب باعث کنترل موقعیت بد به وجود آمده ناشی از این ارزیابی می شود.

تقلب ناشی از سوءاستفاده از داراییها از ماهیت متنوع تری برخوردار است. پیش زمینه ایجاد این الگو، فشاری است که بر متقلب به صورت مجموعه نیازهای مالی وارد می شود. عوامل مثلث تقلب (فشار مالی، فرصت طلبی و توجیه)، به عامل زیاده خواهی و طمع کمک می کنند و منجر به ارتکاب سرقت می شوند. هنگامی که متقلب به سرقت دارایی می پردازد، به دلیل ترس از گرفتار شدن به تلاشمایی برای سرپوش گذاشتن بر تقلب، و پنهان کردن آن از مدیریت خواهد پرداخت.

نتیجه گیری

محرك تقلب مدیران با محرکهای دیگر تقلبها به طور کامل

متفاوت است.

تقلب سنتی، به شکل سوءاستفاده از داراییها تعریف می شود. محرک اصلی برای سرقت داراییها، زیاده خواهی و طمع و انواع فشارهای مالی است که منجر به انجام اعمال متقلبان می شود.

تقلب مدیریت، شامل تحریف عمدی نتایج در گزارشهای مالی است که به وسیله سازمانهای نظارتی شناخته شده و به وسیله رسانه های مختلف به اطلاع عموم خواهد رسید.

محرك اصلی مدیران برای انجام اعمال متقلبان، ترس از شکست است. اگرچه مدیران متقلب با جلوگیری از آشکار شدن حقایقی که در صورت اطلاع به عموم می تواند نتایج منفی برای شرکت به همراه داشته باشد، قادر به کسب موقعیتهای بالاتر نیستند؛ اما همواره تلاش می کنند تا از این طریق، موقعیتهای مالی موجود را حفظ کنند.

- Cohen J., Y. Ding, C. Lesage, and H. Stolowy, **Corporate Fraud and Managers' Behavior: Evidence from the Press**, Journal of Business Ethics, 95, 2010, 271-315
- Cressey D., **The Criminal Violation of Financial Trust**, American Sociological Review, 16(6), 1950, 738- 743
- Dorminey J., A. Fleming, M. Kranacher, and J.R. Riley, **The Evolution of Fraud Theory**, Issues in Accounting Education, 27(2), 2012, 555-579
- Elliott A., and M. Church, **A Hierarchical Model of Approach and Avoidance Achievement Motivation**, Journal of Personality and Social Psychology, 72(1), 1997, 218-232
- Ericson R., **Ten Uncertainties of Risk Management Approaches to Security**, Canadian Journal of Criminology and Criminal Justice, 2006, 345-357
- Kassim R., and A.W. Higson, **The New Fraud Triangle Model**, Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences, 3 (3), 2012, pp. 191 - 195
- Kranacher M., B. Morris, and T. Pearson, **Forensic Accounting and Fraud Examination**, New York, NY: John Wiley and Sons, 2011
- Lombardo F., **Fear as a Motivation to Commit Management Fraud Management Context: Conceptual Paper regarding Ethics and Executive Accounting**, Canadian Journal of Criminology and Criminal Justice, 2016
- Morris B., and T. Pearson, **Managing Financial Risks in Financial Institutions**, New York, NY: John Wiley and Sons, 2011
- Prosser W., **Handbook of Law and Torts**, St Paul, MN: West Publishing, 1971
- Romney M., **Fraud Prevention, Detection and Audit**, Western CPE Self Study, Doseman, MT: Delta Publishing (Western CPE, University of Montana), 2007
- Smith A., **An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations**, <http://en.wikisource.org>, 1776
- Sawyer L., **Internal Auditing, the Institute of Internal Auditors**, Altamonte Springs, FL: Shadewitz, H.J. and Blevins D.R. COSO, 1988

یک نظام مدیریت ریسک مؤثر، می تواند در کاهش احتمال وقوع تقلب مدیران مؤثر باشد.

در واقع، مدیریت ریسک موفق سبب کنترل احتمال وقوع زیان شده و عملکرد مالی بهتر را ایجاد خواهد کرد. همچنین، ممکن است به مدیریت کمک کند تا با یک برنامه ریزی پیشرفته به مقابله با رکود ناشی از عملکرد مالی منفی بپردازد و با آگاهی از عواملی که باعث ایجاد رکود اقتصادی شده اند، از افت عملکرد مالی سازمان جلوگیری به عمل آورد.

با توجه به موارد زیاد تقلب در صورتهای مالی منتشرشده در سالهای اخیر و اثرهای زیانبار آن در بازارهای مالی، انتظار می رود که همه سازمانهای نظارتی مسئول، تمهیداتی را برای جلوگیری و کشف این گونه موارد به کار گیرند.

از جمله اقدامهای پیشگیرانه در این زمینه می توان به ایجاد قوانین محکم و سختگیرانه برای ارائه اطلاعات شفاف در صورتهای مالی، گسترش ارزشهای اخلاقی در جامعه و ایجاد آگاهی از اثرهای مخرب تقلب در بازارهای مالی و اقتصاد، اشاره کرد. از همه مهم تر، آموزش به مدیران با تأکید بر کوتاه مدت بودن تقلب به عنوان راه حل، باید توسعه پیدا کند.



پانویس:

1- Money, Ideology, Coercion and Ego

منابع:

- بولو قاسم، **مسئولیت حسابرسان برای کشف تقلب**، فصلنامه حسابرس، شماره ۲۰، ص ۳۷، تابستان ۱۳۸۲
- وکیلی فرد حمیدرضا و دیگران، **بررسی ویژگیهای تقلب در صورتهای مالی**، ماهنامه حسابدار، شماره ۲۱۰، ۱۳۸۸
- Albrecht W., K. Howe, and M. Romney, **Deterring Fraud: The Internal Auditor's Perspective**, Altomonte Springs, FL: The Institute of Internal Auditors' Research Foundation, 1984
- Anderson and Nathe, **Center Stage: Humiliation, Being Found Out, and the Myth of Supercompetence**, Child & Youth Services, 30(1/2), 2008, 85-96

